

جواب سؤالات تجزیه و ترکیب از آیات ۸ الی ۱۵ سوره مبارکه قلم  
(سؤالات با رنگ آبی اهمیت بیشتری دارند)

### فَلَا تُطَعِ الْمُكذِبِينَ (۸)

۱. نوع فاء در "فلا تطع المكذبین" و اعراب جمله بعدش  
فاء سببیه محضه استینافیه و جمله بعدش محلی از اعراب ندارد اما اینکه چگونه ما قبل سبب  
برای مابعد می باشد توضیحش این است که "أل" در "المكذبین" ال عهد است یعنی اینها  
گمراهند (من ضلّ) پس از این گمراهان مکذّب هیچ اطاعتی نداشته باش.

### وَدَّوْا لَوْ تَدَّهْنُ فَيُدْهِنُونَ (۹)

۲. نقش و اعراب جمله "ودّوا لو تدهن فیدهنون"  
استیناف بیانی (یعنی جواب سؤال مقدر: چرا اطاعت نکند) یا جمله تعلیلیه برای "فلا تطع"

### ۳. نوع "لو"

مصدریه

توضیح: "لو" مصدریه را مشهور نحوین قبول ندارند ولی برخی از نحوین مانند ابن هشام  
و ابن مالک پذیرفته اند و نشانه لو مصدریه این است که غالبا بعد از فعل وَدْ يَوْدُ واقع می  
شود، مشهور که لو مصدریه را قبول ندارند کلمه "ادهانک" مقدر را به عنوان مفعول به  
برای "ودّوا" در تقدیر می گیرند و "لو" را شرطیه می گیرند.

### ۴. نوع فاء در "فیدهنون" و اعراب جمله "یدهنون"

اگر "لو" را مصدریه بگیریم، عاطفه می شود که تقدیر کلام اینگونه می شود: وَدْ يَوْدُ ادهانک  
فادهانم ایاک: یعنی دوست دارند روغن مالی و ماست مالی تو پس بلافاصله نرمی خود را در  
برابر نرمی تو.

اگر "لو" را شرطیه بگیریم، فاء جواب شرط می شود.

### وَلَا تُطَعُ كُلُّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰)

### ۵. نوع واو در "ولا تطع"

عاطفه بر "لا تطع" در دو آیه قبل

### ۶. تجزیه "مهین"

از مَهَنْ يَمَهَنْ مَهْنَا و مَهْنَةً و مِهْنَةً به معنای ضعف و خواری که در معنای خدمت نیز چون انسان با خدمت خود را به نوعی کوچک نشان می دهد استعمال می شود؛ مهین بر وزن فعلیل است و وزن فعلیل از اوزان مشترکه بین صفت مشبیه و اسم مبالغه است و در اینجا به قرینه سیغه های ماقبل و مابعدش اسم مبالغه است.

### هَمَّازٌ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱)

۷. معنای باء در "بنمیم"

مشاء اسم مبالغه از فعل مَشِي يَمَشِي مَشِيَا که با رفتن به باب افعال یا تفعیل متعدی می شود لذا باء بعد از آن برای تعدیه نیست بلکه به معنای مصاحبت است.

۸. تجزیه "نمیم"

اسم مصدر از فعل "نَمَّ يَنْمُ یا يَنْمُ نَمًّا به معنای سخن چینی، نَمِیة نیز اسم مصدر است به معنای

سخن چینی

### مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

۹. معنای لام در "للخیر"

تقویت

۱۰. تجزیه "خیر"

اسم تفضیل است که در اصل اخیر بوده است و به خاطر کثرت استعمال همزه اش حذف شده است و شرّ نیز اینچنین است.

اصل خیر در لغت به معنای میل است و خیر را از آن جهت که هر کسی به آن میل دارد خیر نامیده می شود.

از فعل خَارَ يَخِيرُ خَيْرًا یعنی صار ذا خیرِ

۱۱. اصل و اعلال "معتد"

در اصل مُعْتَدِيٌّ بوده و سپس قاعده سوّم اعلال (اگر واو مضموم ما قبل مضموم یا یاء مضموم یا مکسور ما قبل مکسور در آخر کلمه واقع شود حرکتش می افتد) جاری شده و ضمه می افتد و سپس بین یاء و نون تنوین التقاء ساکنین اتفاق می افتد و یاء در التقاء ساکنین حذف می گردد.

۱۲. تجزیه "اثیم"

صفت مشبیه یا اسم مبالغه از اِثِمَّ يَأْتِمُّ اِثْمًا و مَأْتِمًا یعنی وقع في الاثم

### عُتْلٌ بَعْدَ ذَالِكَ زَنِيمٍ (۱۳)

### ۱۳. تجزیه و ترکیب "عُثِّلٌ"

بر وزن فُعْلٌ است و وزن فُعْلٌ ظاهراً از اوزان غیر مشهور صیغه مبالغه است زیرا تشدید لامش به غرض مبالغه است (خصائص ابن جنی) از فعل عَتَلَّ يَعْتَلُّ عَثَلًا که متعدی بنفسه است یعنی او را به زور از موهای پیشانیش گرفت و کشید.

### ۱۴. متعلق "بعد"

زنیم، متعلقش می باشد و مشار الیه ذلک: "کَلَّ مِنْ هَذِهِ الْأَوْصَافِ مِیْبَاشِدٌ" که زنیم به علت بدترین صفت بودنش در بین اوصاف مذکور اینگونه تعبیر آورده است به طوری که روایت داریم شخص زنیم یعنی ناپاک زاده قطعاً جهنی است.

### أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

### ۱۵. ترکیب "أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ"

منصوب به نزع خافض (لام تعلیل) و متعلق به "لَا تُطْعَمُ" است یعنی از چنین اشخاصی به خاطر داشتن مال و بنین اطاعت مکن.

نکته: آن، در این آیه مصدریه است زیرا آن مخففه غالباً بعد از فعل یقین واقع می شود.

### ۱۶. بررسی لغوی "مال"

از مَالٍ مِیَالٌ یا مِیُولٌ مَالاً است به معنای: کثیر المال شد؛ کلمه "مال" مشترک لفظی بین سه معناست:

۱. مصدر به معنای کثیرالمال شدن

۲. اسم ذات به معنای معروفش

۳. مصدر به معنای اسم فاعل به معنای کثیر المال

### ۱۷. بررسی لغوی "بنین"

مفرد این است و این اسم ذات است به معنای پسر است و از فعل بَنَى بَنُو گرفته شده است. این در اصل بَنُو و بنابر قوی در اصل بَنُو بوده است به دلیل اینکه جمع مکسرش بنین (بَنَوِیْنٌ) که به خاطر قواعد اعلال بنین شده) و ابناء است.

### إِذَا تُلِيَّ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

### ۱۸. نوع إذا و متعلق آن

ظرفیه شرطیه مستقبله است که در متعلقش اختلاف است که ابن هشام و رضی قائلند به فعل شرط متعلق است و مشهور قائلند که به جواب شرط متعلق است ولی آنطور که در مغنی تحقیق کردیم قول مشهور اقرب به واقع است.

۱۹. اعراب محلی جمله "تتلی"

بنابر قول مشهور که إذای شرطیه را از مضاف بودن مقطوع نمیدانند محلاً مجرور بنابر مضاف الیه بودن برای إذا است اما بنابر قول ابن هشام که إذا متعلق به شرط است إذا مقطوع از اضافه است زیرا مضاف الیه نمی تواند در مضاف عمل کند و ابن هشام و سائر قائلین به این نظریه دائم الاضافة بودن إذا را فقط محدود به مواردی می گیرند که إذا از شرطیت یا ظرفیت خارج شده باشد.

۲۰. بررسی لغوی "تتلی"

تلی یتلو مشترک لفظی بین دو معناست:

۱. تبعیت کردن که مصدرش تَلَّوْ و تَلُّو است.

۲. پیایی خواندن همراه با اندیشه و تدبّر که مصدرش تِلَاوَةٌ است.

۲۱. بررسی لغوی مفرد "آیاتنا"

آیه: فعلی از این کلمه استعمال نشده است بلکه آیه اسم ذات به معنای علامت است و در اصل "أَيَّة" بوده است که یاء متحرک ما قبل مفتوح قلب به الف شده است و "آیه" گشته است. و الله عالم.

۲۲. نقش "اساطیر"

خبر برای ضمیر محذوف (هی)

۲۳. بررسی لغوی مفرد "اسطورة"

مانند اعجوبة و احدوثة که مفرد اعاجیب و احادیث هستند و اسم ذات است از فعل سَطَّرَ يَسْطُرُ سَطْرًا به معنای افسانه

۲۴. بررسی لغوی مفرد "الاولین"

أول در اصل بر وزن فاعل از فعل آلَ يُووِلُ أَوْلًا بوده است یعنی در اصل اول بوده است که الف در واو بعد از تبدیل شدنش به واو ادغام شده است وزن فاعل مانند کلمه خاتم و عالم به معنای ما يرجع الیه مانند خاتم که به معنای ما یختم به است.